



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

سال بیستم، شماره‌ی ۶۹
بهار ۱۳۹۹، صفحات ۲۰۳-۱۸۹

حسن صفوی پناه^۱
* حیدر لطفی^۲
شهرزاد لطفی^۳
زین العابدین کرمی^۴

تحولات مفهومی ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر جهت‌گیری‌های قومی: مطالعه موردی قوم کرد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران قومیت از محتوای نژادی و جغرافیایی تا حدودی فاصله گرفته و ارزش‌های دیگری معیار مدیریت کلان و خرد مسئله قومیت قرار گرفته است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی تحولات مفهومی ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. سؤال اصلی مقاله این است که ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای چه تحولات مفهومی بوده است؟ برای رسیدن به این مهم، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به کارگیری آزمون‌های آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون T یک طرفه و زوجی، به ارزیابی هرکدام شاخص‌ها (استقلال ملی، دین اسلام، هویت ایرانی، انقلاب اسلامی) پرداخته شده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۴ پرسشنامه در جامعه مورد مطالعه توزیع گردیده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که پس از پیروزی

۱- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

* ۲- گروه جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول).

E-mail: d.lotfi.garmsar023@gmail.com

۳- کالج دیوید گیم، دوره A-level، لندن، انگلیس، بریتانیا.

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی در تبیین سیاست‌ها و اصول کلی در چارچوب قانون اساسی و برخی قوانین عادی، سیاست مدون و مشخصی در برخورد با مسائل اقوام ایرانی وجود داشته است. هر چند بعضا راهبردهای اتخاذ شده تحت تأثیر شرایط تهدیدزای داخلی و خارجی جنبه واکنشی و اقتضایی به‌خود گرفته‌اند.

کلید واژه‌ها: قومیت، ایران، ژئوپلیتیک قومی، مدیریت سیاسی.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران سرزمینی متشکل از اقوام، طوایف، تنوعات فرهنگی و اجتماعی گوناگون است که در زیر چتر ریشه‌های ایرانی هویت بودن، زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه‌ای را در اغلب ادوار تاریخی تجربه قوم کردند (Aboutalebi, 2008) و گاهی به دلیل مشکلاتی که اغلب ناشی از جهالت و نادانی، فقر، تبعیضات ناروا، ضعف مدیریتی نخبگان قدرت و مدیران سیاسی و دخالت‌های استعمارگران بوده، زمینه‌های نارضایتی برخی از این اقوام فراهم گردیده که نتیجه آن به خطر افتادن انسجام، امنیت و یکپارچگی ملی ایران بوده است (Ahmadi, 1999). در تمامی نظام‌های سیاسی که از تنوعات فرهنگی-اجتماعی و قومی برخوردار هستند، دولت نقش بسیار مهمی در فرآیند مدیریت شکاف‌های قومی دارد (Ahmadi, 2000)؛ دولت‌ها با بهره‌گیری از رویکرد مبتنی بر عقلانیت می‌توانند مدیریتی علمی مبتنی بر عدالت و انصاف را در فرآیند تأمین حقوق اقوام مختلف اتخاذ نمایند که نتیجه چنین مدیریتی افزایش انسجام و همبستگی ملی در کشور است (Ahmadi, 2007). قانون اساسی به مثابه میثاق ملی، مهم‌ترین سند حقوقی-سیاسی در امر سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد در جامعه و راهنمای عمل حکومت است (Ahmadi, 2009). از جمله مهم‌ترین مباحث مندرج در قانون اساسی تبیین اهداف کلان نظام و مبانی وفاق و همبستگی ملی و پیش‌بینی راه‌کارهای کلی ایجاد پیوند میان دولت و جامعه و گروه‌های اجتماعی و فائق آمدن بر پراکندگی‌ها و تفرق گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی است (Ashraf, 1994). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با در نظر گرفتن واقعیت تنوعات مذهبی، زبانی و قومی در ایران حاوی اصول و فصولی است که مهم‌ترین مرجع و مبنای تدوین سیاست قومی در کشورمان به حساب می‌آیند. قانون اساسی در فضای ملت‌هت و انقلاب زده جامعه به سال ۱۳۵۸ و در اوج درگیری‌های مناطق قوم کرد، گنبد، خوزستان و سیستان و بلوچستان و فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب تدوین گردید (Ayoubi, 1998). فضای خاص انقلابی جامعه از یک سو و دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و روحانیون شیعه-که اکثریت مجلس قانون‌گذاری را در برمی‌گرفتند - نقش و تأثیر مهمی در تصویب قانون اساسی کنونی داشته‌اند (Burton, 2005). نکته مهم در شناخت و تحلیل قانون اساسی به عنوان مبنای شکل‌گیری و تنظیم سیاست قومی در ایران، این است که قانون‌گذار قانون اساسی را کمابیش بر مبنای اصل شهروندی تنظیم قوم کرده و مبنای تدوین سیاست قومی در کشورمان نیز علی‌القاعده می‌بایست همین اصل باشد (Bayat, 1994). با شروع و گسترش جنگ و حمله عراق به ایران، مناطق بحرانی خوزستان، کرمانشاه، قوم کرد و

بخش‌هایی از آذربایجان غربی به لحاظ مجاورت مرزی با عراق و نیز ارتباط و همکاری گروه‌های تجزیه‌طلب- مانند حزب دمکرات قوم کرد و اتحادیه خلق عرب- با رژیم بعثی عملاً تبدیل به مناطق جنگی شدند و سیاست قومی تحت‌الشعاع مسئله جنگ قرار گرفت (Strategic Studies Research Institute, 1999). در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان نیز تداوم شرارت و ناامنی و ارتباط گروه‌های تجزیه‌طلب بلوچ - مانند جمبا - با عراق و نیز لزوم برقراری ثبات و امنیت در مرزهای شرقی موجب شد که حالت فوق‌العاده همانند مناطق جنگی برقرار شود (Toufiq, 2009). انقلاب اسلامی در ایران با شعار و ایده اخوت اسلامی و آرمان شکل‌گیری امت واحده اسلامی پیروز شد؛ و از آن جا که مخاطبان پیام انقلاب در دنیای اسلام و کشورهای هم‌جوار مردمانی بودند که قرابت قومی، زبانی و مذهبی با اقوام ایرانی عرب، ترکمن، بلوچ، قوم کرد و آذری دارند، عملاً پیگیری ایده وحدت دنیای اسلام در سیاست خارجی با سیاست قومی در داخل و نوع برخورد نظام با گروه‌های قومی مذهبی کشورمان گره خورد (Ali Naqi, 2000). دغدغه و دل‌نگرانی رهبران حکومت دینی از بهره‌برداری مخالفان و کشورهای رقیب جمهوری اسلامی از پراکندگی و اختلافات زبانی و مذهبی در ایران - به شکلی که در سال‌های نخست انقلاب روی داد- داعیه وحدت طلبی و تلاش برای پیشبرد و دگرگون‌سازی وحدت و اتحادیه شیعه و سنی را عمق و شدت مضاعف می‌بخشید (Fakuhi, 2001). هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی تحولات مفهومی ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و نقش آن بر جهت‌گیری‌های قومی اقوام کشور به ویژه قوم کرد. سؤال اصلی مقاله این است که ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای چه تحولات مفهومی بوده و نقش آن بر جهت‌گیری‌های قومی اقوام کشور به ویژه قوم کرد چگونه بوده است؟

هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی تحولات مفهومی ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. سؤال اصلی مقاله این است که ادبیات قومیت در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای چه تحولات مفهومی بوده است؟ برای رسیدن به این مهم، از روش توصیفی-تحلیلی و نرم‌افزار Spss در تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به‌کارگیری آزمون‌های آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون T یک طرفه و زوجی، به ارزیابی هرکدام شاخص‌ها (استقلال ملی، دین اسلام، هویت ایرانی، انقلاب اسلامی) پرداخته شده است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۴۴ پرسشنامه در جامعه مورد مطالعه توزیع گردیده است.

مبانی نظری

مفهوم قومیت در طول زمان به طور مداوم متحول شده و یک سیر تکوینی را سپری قوم کرده است (Qaderzadeh, 2009). در ابتدا گروه قومی مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیرمسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند اشاره داشت (Castells, 2001). سپس این واژه مفهومی نژادی گرفت و مفهوم مذهبی اولیه خود را از دست داد. ولی بار دیگر در مطالعات قومی شاهد تحول و تکامل معنی گروه‌های قومی هستیم (Mohammadzadeh, 2011). در این مرحله مفاهیم مذهبی و نژادی گروه‌های قومی کم رنگ شده و معنی فرهنگی به‌خود می‌گیرد و در آن مفهوم قومیت،

گسترده شده و شامل گروه‌های نژادی، زبانی و مذهبی می‌شود (Moradi, 2007). به این معنی همه گروه‌هایی که از لحاظ زبان، مذهب، رنگ، پوست و نژاد با گروه‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند، گروه‌های قومی قلمداد می‌شوند (Ahmadi, 1999). ماکس وبر^۵ به تعریفی از قومیت پرداخته که مورد پذیرش و استفاده بسیاری از محققان قرار گرفته است. طبق نظر وی گروه‌های قومی آن گروه‌های انسانی‌اند که یک باور ذهنی نسبت به اصل و نسب مشترکشان را به خاطر شباهت‌های فیزیکی یا سنت‌ها و یا به خاطر سرگذشت‌های استعمار یا مهاجرت می‌پذیرند، این باور باید در صورت‌بندی گروه دارای اهمیت باشد، به علاوه این اهمیت ندارد که آیا یک روابط خونی مشخص وجود دارد (Maghsoudi, 2001). بدین گونه ماکس وبر نیز با تأکیدی که بر عناصر فرهنگی دارد، خون و نژاد را چندان مهم تلقی نکرده است (Najari Rad, 2001). بروس کوئن نیز از دیدگاهی جامعه‌شناسانه و در نگاهی مشابه وبر، در تعریف گروه قومی می‌گوید گروه قومی گروهی است که اعضای آن ویژگی‌های فرهنگی یکسانی دارند (Hedayati, 1995). این ویژگی‌ها عبارت‌اند از دین، زبان و ملیت. در تعریف یاد شده باید به این نکته اشاره قوم کرد که گرچه دین و زبان از جمله ملاک‌های اصلی برای تعریف گروه قومی قلمداد می‌شوند، ولی ملیت به عنوان مشخصه گروه قومی، ملاکی مشاخره برانگیز است (Anderson, 2006). رابطه میان دولت و قوم‌گرایی یا کشمکش‌های قومی یکی از عمده‌ترین بحث‌های مربوط به مطالعات قومی-ناسیونالیستی در قرن بیستم بوده است. با وجود این در پژوهش‌های انجام گرفته در مورد ناسیونالیسم یا قومیت، به بحث رابطه میان دولت مدرن و سیاسی شدن پدیده‌ها و کشمکش‌های قومی کم‌تر پرداخته شده است (Ali Naghi, 2000) و میزان آثار مربوط به این رابطه در مقایسه با کل بحث‌های موجود در مورد ناسیونالیسم، قومیت و کشمکش‌های قومی چندان چشمگیر نبوده است؛ اما در بیش‌تر آثار در تبیین سیاست‌های قومی، نقش دولت مدرن به طور غیرمستقیم در محور بحث بوده است و در تمام بحث‌های مربوط به علل ظهور قوم‌گرایی یا ملی‌گرایی قومی دولت یکی از متغیرهای مهم بوده است (Al-Taie, 2003). آثار مربوط به رابطه دولت با گروه‌های قومی یا اقوام‌گرایی می‌تواند موضوعات زیر را در برگیرد:

- ۱- نقش دولت در سیاسی قوم کردن علایق و نشانه‌های قومی و ایجاد بسیج قومی
- ۲- نقش سیاست‌های دولت بر کشمکش‌های قومی یا سیاست‌های قومی
- ۳- نقش دولت در حل منازعات قومی و مهندسی کشمکش‌های قومی
- ۴- رابطه دولت با گروه‌های قومی
- ۵- نقش گروه‌های قومی و روابط یا اختلافات قومی بر سیاست‌های دولت
- ۶- دولت به عنوان جایگاه منازعات و رقابت‌های قومی
- ۷- دولت به عنوان ابزار اعمال سلطه قومی یک گروه بر گروه‌های دیگر
- ۸- نقش دولت و سیاست‌های آن‌ها در ایجاد نابرابری‌های قومی یا تلاش جهت کاهش این نابرابری (Salehi Amiri, 2006).

با توجه به محورهای یاد شده جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان علم سیاست و روان‌شناسان اجتماعی هر کدام از منظری خاص به بررسی منازعات قومی پرداخته‌اند. برای نمونه، جامعه‌شناسان برای تبیین بحران‌های قومی عمدتاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه، انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی، توزیع نابرابر و غیرعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی تأکید نموده‌اند. تئوری بحران تد رابرت گر، نظریاتی همچون تبعیضات قومی گوبوگلو، مبادله پیتربلا، سرایت، استعمار داخلی هشتر، تعصب، پیش‌داوری و خشونت‌های قومی دیوید مایر^۶، نظریه ناکامی-ستیزه‌جویی دولارد و نظریه هویت‌جویی اسمیت از جمله مهم‌ترین تئوری‌های جامعه‌شناسی می‌باشند که به بررسی مسئله قومیت‌ها پرداخته‌اند (Salehi Amiri, 2006). به هر حال، مطالعات صورت گرفته در زمینه علل ریشه‌ای منازعات قومی نگاه‌های مختلفی به این موضوع دارند و آن‌ها را از شورش تا نسل‌کشی طبقه‌بندی می‌کنند. با این حال، می‌توان دو دیدگاه اصلی را در این زمینه مورد توجه قرار داد: پارادایم فرهنگی و پارادایم ساختاری (Hengpanah, 1998). پارادایم فرهنگی منازعه قومی را به عنوان یک مسئله هویت اجتماعی مدنظر دارد که به واسطه تهدید واقعی یا خیالی پیش روی مرزهای گروه و شیوه زندگی آن‌ها ایجاد می‌گردد. در این مورد، تغییرات ساختاری همچون مدرنیسایون تحمیلی یا پارادایم ساختاری بر این فرض مبتنی است که منازعه قومی اصولاً ربطی به قومیت ندارد بلکه عوامل اقتصادی و سیاسی از جمله سرزمین را در بر می‌گیرد. در این خصوص، ممکن است قومیت برای کسب قدرت اقتصادی و سیاسی یا طبقه‌بندی جوامع یا دولت-ملت‌ها در نظام جهانی مورد سوء استفاده قرار گیرد. طبقه‌بندی به طور معمول شامل سوء استفاده از گروه‌های ضعیف‌تر است (Hosseinzadeh, 2001).

۱- سیستم سلسله‌مراتبی

در این نظام، یک گروه قومی برتر (گروه قومی در قدرت) و دیگری تابع (گروه قومی در حاشیه) است و گروه‌های تابع تلاش دارند خود را جایگزین گروه‌های برتر ساخته یا موقعیت خود را بدون از بین بردن مشروعیت این سلسله‌مراتب افزایش دهند. سیاست‌های دولتی در چنین نظامی نابرابر بوده و عمدتاً در کشورهایی دنبال می‌شود که ایدئولوژی نژادپرستانه بر آن تسلط دارد. بر اساس این ایدئولوژی که مبنای فلسفی تکثرگرایی نابرابر را تشکیل می‌دهد، میان گروه‌های قومی و نژادی تفاوتی ذاتی وجود دارد؛ بنابراین گروه‌هایی که بر اساس این ایدئولوژی برتر شناخته می‌شوند، بر دیگر گروه‌ها حق تسلط پیدا می‌کنند. از جمله مواردی که در آن روابط قومی بر اساس چنین الگویی تنظیم شده و یک گروه قومی به صورت اشکال دیگر گروه‌های قومی را کنترل می‌کند می‌توان به رژیم صهیونیستی و افریقای جنوبی (پیش از فروپاشی نظام آپارتاید^۷) اشاره قوم کرد (Salehi Amiri, 2006).

۲- سیستم غیر سلسله‌مراتبی

در این نظام، هیچ یک از گروه‌های قومی تابع دیگری نیست. آن‌ها استقلال فرهنگی و ساختاری خود را حفظ می‌کنند و دولت نیز از تفاوت‌ها صیانت می‌نماید. همچنین ضوابط و تدابیر سازمانی معینی برای توزیع متناسب

6- David Meyer

7- Apartheid

پاداش‌های اجتماعی بر اساس قومیت (مساوات قومی) تدارک دیده می‌شود. هرچند شاخصه‌های چنین نظامی در کشورهای مختلف شدت و ضعف دارد (Salehi Amiri, 2006). ماکس وبر نیز تمایز مشابهی را میان نظام‌های سلسله‌مراتبی و غیر سلسله‌مراتبی ترسیم می‌کند، ولی برای اشاره به آن‌ها به ترتیب از ساختار کاست و هم‌زیستی قومی استفاده می‌کند (Hafeznia, 2002). همان‌طور که وبر می‌گوید، در اینجا توزیع مقام و منزلت تفاوتی کلیدی به شمار می‌آید. در نظام‌های سلسله‌مراتبی، توزیع نابرابر منزلت میان گروه‌های برتر و تابع مورد پذیرش بوده و از سوی مجموعه باید‌ها و نبایدهای رفتاری تقویت می‌شود. در نظام‌های غیر سلسله‌مراتبی چنین برتری‌ای وجود ندارد (Hafeznia, 2002). با توجه به این الگو می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری قوم کرد که هرچه روابط قومی در یک کشور سلسله‌مراتبی باشد، احتمال اختلافات و منازعات قومی نیز در آن بیش‌تر خواهد بود و به تبع آن مداخله کشورهای دیگر نیز بیش‌تر خواهد شد؛ بنابراین وضعیت داخلی قومیت‌ها در یک کشور نیز عاملی مهم در احتمال مداخله خارجی به شمار می‌رود.

محدوده مورد مطالعه

قوم کرد، پس از فارس‌ها و آذری‌ها، سومین گروه از ملت ایران به‌شمار می‌آیند. عقیده عمومی این است که قوم کرد از اقوام ایرانی و نژاد هندواروپایی هستند که از حدود چهار هزار سال پیش در منطقه قوم کرد استقرار یافته‌اند. این قوم دسته‌ای از قوم آریایی هستند که ابتدا در اطراف دریاچه وان، منطقه قفقاز و رود دجله پراکنده بودند و به‌تدریج که انسجام قومی و فضایی پیدا قوم کردند، در منطقه قوم کرد کنونی مستقر شدند. از حیث مذهبی، قوم کرد به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می‌شوند. بر خلاف قوم کرد که اغلب اهل سنت و شافعی مذهب‌اند، قوم کرد منطقه کرمانشاهان و ایلام عمدتاً شیعه‌اند. در مجموع قوم کرد در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و بعضی خصلت‌های فرهنگی با نواحی قوم کردنشین خارج از مرزها، به‌ویژه کشور عراق، همگونی دارند. اجتماع این سه خصلت که فصل‌میز قوم کرد از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدید آورنده نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی قوم کردنشین خاورمیانه شده، زمینه بحرانی مداوم را در منطقه فراهم آورده است، به طوری که اجزای جدا افتاده قوم کرد، هر یک در جهت کسب خودمختاری از دولت‌های مرکزی متبوع خود برآمده‌اند (Ashraf, 1994).

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات «کاربردی» و از نظر روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل مقاله، کتاب، سایت‌های اینترنتی که در بخش مطالعات اسنادی استفاده خواهد شد و پرسشنامه، عکس و نقشه که در مطالعات میدانی استفاده خواهد شد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به دو طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی به‌دست آمده است. در روش اسنادی با مطالعه‌ی مجلات تخصصی، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با تحقیق و مراجعه به مراکز علمی و تحقیقاتی داده‌ها جمع‌آوری شده است. در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق ابزارهای گردآوری، داده‌های خام از طریق روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی)

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق ۳۴۴ نفر از دانشجویان کرد دانشگاه‌های آزاد و دولتی می‌باشد. حجم نمونه (پرسش‌نامه) به‌دست آمده ۳۴۴ عدد تعیین شد. سؤالات پرسشنامه‌ها نیز در قالب شاخص‌های استخراج شده از ۴ مؤلفه تحقیق (استقلال ملی، دین اسلام، هویت ایرانی، انقلاب اسلامی) ساماندهی شدند.

یافته‌ها و بحث

رابطه استقلال ملی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران با جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

جدول ۱- تأثیر گفتمان استقلال ملی بر جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 1- The Impact of National Independence Discourse on Ethnic Orientations

شرح	عدم وابستگی به بیرون	عدم تشکل یابی قومی-سیاسی	تجزیه‌طلبی	سایر
تعداد	۱۳۹	۹۳	۷۴	۳۸
درصد	۴۰/۵	۲۷	۲۱/۵	۱۱

تحلیل روابط آماری میان متغیر استقلال ملی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار آماری میان متغیر وابسته جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد و متغیر مستقل گفتمان استقلال ملی موجود است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، گفتمان استقلال ملی رابطه معناداری با شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد دارد و جهت این رابطه نیز منفی برآورد شده است که نشان‌دهنده وجود رابطه غیرمستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش تأکید بر استقلال ملی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، میزان جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد هم کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۲- تحلیل روابط آماری میان متغیر استقلال ملی و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد، آزمون همگونی کای دو

Table 2- Analysis of Statistical Relationships between National Independence Variable and Kurdish Ethnic Orientations, Chi-square Homogeneity Test

کل	استقلال ملی			جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد
	کوتاه‌مدت	میان‌مدت	بلندمدت	
۱۰۴	۲۰ (۲۰٪)	۲۸ (۲۶٪)	۵۶ (۵۴٪)	کم
۱۵۰	۳۰ (۲۰٪)	۷۵ (۵۰٪)	۴۵ (۳۰٪)	متوسط
۹۰	۴۶ (۵۱٪)	۲۴ (۲۶٪)	۲۰ (۲۲٪)	بالا
۳۴۴	۹۶ (۲۷٪)	۱۲۷ (۳۶٪)	۱۲۱ (۳۵٪)	کل
	سطح معناداری	درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون
	۰/۰۰	۲	۰/۶۵	ضریب همبستگی

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات توسعه متغیر استقلال ملی بر روی شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، توسعه استقلال ملی به صورت معناداری مؤلفه جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد را با ضریب بتای ۰/۵۷ تضعیف می‌کند.

جدول ۳- اثرات متغیر استقلال ملی بر جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 3- The effects of the variable of national independence on ethnic orientations

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا		
جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد	۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۰۰

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص توسعه استقلال ملی در شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد مؤثر بوده، بنابراین افزایش استقلال ملی باعث بهبود وضعیت جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد شده است. رابطه تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

جدول ۴- رابطه تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 4- Relationship between the emphasis on religious-Islamic discourse and ethnic orientations

شرح	بله	خیر
تعداد	۱۰۴	۲۴۰
درصد	۳۰/۲	۶۹/۸

تحلیل روابط آماری میان میزان تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی و بهبود جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا صورت گرفته است، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود تفاوت معنادار آماری میان متغیر وابسته جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد و متغیر مستقل تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی رابطه معناداری با شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی، میزان جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد هم افزایش پیدا نمی‌کند.

جدول ۵- تحلیل روابط آماری میان تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی و جهت گیری های قومی قوم کرد، آزمون همگونی کای دو

Table 5- Analysis of Statistical Relationships between Emphasis on Religious-Islamic Discourse and Kurdish Ethnic Orientations, Chi-square Homogeneity Test

کل	شاخص گفتمان دینی - اسلامی			جهت گیری های قومی قوم کرد
	بالا	متوسط	کم	
۱۰۴	۲۹ (٪۲۷)	۵۰ (٪۴۸)	۲۵ (٪۲۴)	کم
۱۵۰	۵۰ (٪۳۴)	۳۰ (٪۲۰)	۷۰ (٪۴۶)	متوسط
۹۰	۱۱ (٪۱۲)	۳۵ (٪۳۹)	۴۴ (٪۴۹)	بالا
۳۴۴	۹۰	۱۱۵	۱۳۹	کل
سطح معناداری		درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون
۰/۳۵		۲	-۰/۰۴	ضریب همبستگی

در ادامه و جهت پاسخ گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات توسعه شاخص گفتمان دینی-اسلامی بر شاخص جهت گیری های قومی قوم کرد پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می دهد، شاخص گفتمان دینی-اسلامی پیش بینی کننده معناداری در تغییرات جهت گیری های قومی قوم کرد با ضریب بتای ۰/۰۷ می باشد.

جدول ۶- اثرات تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر جهت گیری های قومی قوم کرد

Table 6- Effects of Emphasis on Religious-Islamic Discourse in the Political Management of the Islamic Republic of Iran on the Ethnic Orientations of the Kurds

مدل	ضریب غیر استاندارد		تی	معناداری
	B	خطای استاندارد		
جهت گیری های قومی قوم کرد	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۷	۱/۳۲

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می توان گفت، شاخص تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی در شاخص جهت گیری های قومی قوم کرد مؤثر بوده، بنابراین افزایش تأکید بر گفتمان دینی-اسلامی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی باعث بهبود جهت گیری های قومی قوم کرد شده است.

رابطه میان متغیر تأکید بر هویت ایرانی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهت گیری های قومی قوم کرد

جدول ۷- رابطه میان متغیر تأکید هویت ایرانی با جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 7- The relationship between the variable of emphasizing Iranian identity and ethnic orientations

شرح	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
تعداد	۱۲۹	۸۳	۶۰	۲۱	۲۱
درصد	۳۷/۵	۲۴/۱	۱۷/۵	۶/۱	۶/۱

تحلیل روابط آماری میان میزان تأکید بر هویت ایرانی و شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا انجام شده است، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد و متغیر مستقل تأکید هویت ایرانی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، میزان تأکید بر هویت ایرانی معناداری با شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان تأکید بر هویت ایرانی شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد هم تغییر پیدا می‌کند.

جدول ۸- رابطه میان متغیر تأکید بر هویت ایرانی و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد؛ کای دو

Table 8- Relationship between the variable of emphasizing Iranian identity and ethnic orientations; Chi

کل	تأکید بر هویت ایرانی			جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد
	بالا	متوسط	کم	
۱۰۴	۲۰ (۱۹٪)	۲۴ (۲۳٪)	۶۰ (۵۸٪)	کم
۱۵۰	۴۰ (۲۶٪)	۷۴ (۴۹٪)	۳۶ (۲۴٪)	متوسط
۹۰	۵۲ (۵۷٪)	۲۳ (۲۵٪)	۱۵ (۱۶٪)	بالا
۳۴۴	۱۱۲	۱۲۱	۱۱۱	کل
سطح معناداری		درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون
۰/۰۰		۲	۰/۴۸	ضریب همبستگی

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات تأکید بر هویت ایرانی بر روی شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، توسعه هویت ایرانی به صورت معناداری شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد با ضریب بتای ۰/۲۵ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۹- رابطه میان تأکید بر هویت ایرانی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 9- The Relationship between Emphasis on Iranian Identity in the Political Management Discourse of the Islamic Republic of Iran and Ethnic Ethnic Orientations

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا		
اقتصادی	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۲۵	۲/۰۱	۰/۰۰

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص توسعه گردشگری (توریسم) ورزشی در شاخص قیمت کالاها و اجناس مؤثر بوده، بنابراین افزایش تأکید بر هویت ایرانی باعث تغییر جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد شده است.

رابطه میان آرمان وفاداری به انقلاب اسلامی در گفتمان مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

جدول ۱۰- میزان تأثیر وفاداری به انقلاب اسلامی بر جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 10- The effect of loyalty to the Islamic Revolution on ethnic orientations

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شرح
۶۸	۱۰۶	۱۲۲	۲۸	۲۰	تعداد
۱۹/۸	۳۰/۸	۳۵/۵	۸/۱	۵/۸	درصد

تحلیل روابط آماری میان میزان توسعه وفاداری به انقلاب اسلامی و شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا قرار داشته‌اند، بر اساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد و متغیر مستقل وفاداری به انقلاب اسلامی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بر اساس میزان توسعه وفاداری به انقلاب اسلامی، رابطه معناداری در شاخص میزان جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد به دست آمده است. جهت این رابطه نیز منفی برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه غیرمستقیم است، بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان وفاداری به انقلاب اسلامی، میزان جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۱۱- تحلیل روابط آماری میان وفاداری به انقلاب اسلامی و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد، آزمون همگونی کای دو

Table 11- Analysis of Statistical Relationships between Loyalty to the Islamic Revolution and Kurdish Ethnic Orientations, Chi-square Homogeneity Test

کل	وفاداری به انقلاب اسلامی			کم	جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد
	بالا	متوسط	کم		
۱۰۴	۱۴ (٪۱۳)	۲۵ (٪۲۴)	۶۵ (٪۶۲)	کم	
۱۵۰	۴۰ (٪۲۶)	۸۰ (٪۵۳)	۳۰ (٪۲۰)	متوسط	
۹۰	۵۰ (٪۵۵)	۳۰ (٪۳۳)	۱۰ (٪۱۱)	بالا	
۳۴۴	۱۰۴	۱۳۵	۱۰۵	کل	
سطح معناداری		درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون	
۰.۰۰		۲	۰.۵۲	ضریب همبستگی	

در ادامه و جهت پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی اثرات توسعه وفاداری به انقلاب اسلامی بر روی شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد پرداخته شده است. بر همین اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد، ضریب بتای اثرگذاری توسعه وفاداری به انقلاب اسلامی بر روی شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد ۰/۳۶ می‌باشد).

جدول ۱۲- اثرات وفاداری به انقلاب اسلامی و جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد

Table 12- The effects of loyalty to the Islamic Revolution and ethnic orientations

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا		
قیمت زمین و مسکن	۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۳۶	۲/۳۱	۰/۰۰

با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت، شاخص وفاداری به انقلاب اسلامی در شاخص جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد مؤثر بوده، بنابراین افزایش وفاداری به انقلاب اسلامی باعث تغییر جهت‌گیری‌های قومی قوم کرد شده است.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران سرزمینی متشکل از اقوام، طوایف، تنوعات فرهنگی و اجتماعی گوناگون است که در زیر چتر هویت ایرانی بودن، زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه‌ای را در اغلب ادوار تاریخی تجربه کرده‌اند و گاهی به دلیل

مشکلاتی که اغلب ناشی از جهالت و نادانی، فقر، تبعیضات ناروا، ضعف مدیریتی نخبگان قدرت و مدیران سیاسی و دخالت‌های استعمارگران بوده، زمینه‌های نارضایتی برخی از این اقوام فراهم گردیده که نتیجه آن به خطر افتادن انسجام، امنیت و یکپارچگی ملی ایران بوده است. در تمامی نظام‌های سیاسی که از تنوعات فرهنگی-اجتماعی و قومی برخوردار هستند، دولت نقش بسیار مهمی در فرآیند مدیریت شکاف‌های قومی دارد؛ دولت‌ها با بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر عقلانیت می‌توانند مدیریتی علمی مبتنی بر عدالت و انصاف را در فرآیند تأمین حقوق اقوام مختلف اتخاذ نمایند که نتیجه چنین مدیریتی افزایش انسجام و همبستگی ملی در کشور می‌باشد. قانون اساسی به مثابه میثاق ملی، مهم‌ترین سند حقوقی-سیاسی در امر سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد در جامعه و راهنمای عمل حکومت است. از جمله مهم‌ترین مباحث مندرج در قانون اساسی تبیین اهداف کلان نظام و مبانی وفاق و همبستگی ملی و پیش‌بینی راه‌کارهای کلی ایجاد پیوند میان دولت و جامعه و گروه‌های اجتماعی و فائق آمدن بر پراکندگی‌ها و تفرق گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با در نظر گرفتن واقعیت تنوعات مذهبی، زبانی و قومی در ایران حاوی اصول و فصولی است که مهم‌ترین مرجع و مبنای تدوین سیاست قومی در کشورمان به حساب می‌آیند. قانون اساسی در فضای ملتهب و انقلاب زده جامعه به سال ۱۳۵۸ و در اوج درگیری‌های مناطق کردستان، گنبد، خوزستان و سیستان و بلوچستان و فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب تدوین گردید. فضای خاص انقلابی جامعه از یک سو و دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و روحانیون شیعه-که اکثریت مجلس قانون‌گذاری را در بر می‌گرفتند- نقش و تأثیر مهمی در تصویب قانون اساسی کنونی داشته‌اند. نکته مهم در شناخت و تحلیل قانون اساسی به عنوان مبنای شکل‌گیری و تنظیم سیاست قومی در ایران، این است که قانون‌گذار قانون اساسی را کمابیش بر مبنای اصل شهروندی تنظیم کرده و مبنای تدوین سیاست قومی در کشورمان نیز علی‌القاعده می‌بایست همین اصل باشد.

References

- Aboutalebi, A., (2008), "Ethnic rights, minorities and convergence, Translated by Dr. Ali Karimeh Moleh", *Quarterly Journal of National Studies*, 1: 1-14. [In Persian].
- Ahmadi, H., (1999), "*Ethnicity and ethnocentrism-from myth to reality*", Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
- Ahmadi, H., (2000), "Ethnicity and ethnocentrism in Iran, from myth to reality", Tehran, *Quarterly Journal of National Studies*, 4: 11-25. [In Persian].
- Ahmadi, H., (2007), "*The modern state and the tribes of Iran: The breaking of the common paradigm, a collection of articles by the modern government in Iran*", Translated by Rasoul Afzali, Q., Mofid University of Humanities.
- Ahmadi, H., (2009), "*Fundamentals of Iranian national identity: Theoretical framework of citizen-based national identity*", Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Smith, A., (2012), "*Nationalism and modernism*", translated by Kazem Firoozmand, Tehran: Saless Publications.
- Ashraf, A., (1373), "National and ethnic identity crisis in Iran", *Irannameh Magazine*, 47: 521-550. [In Persian].
- Ayoubi, H., (1998), "Ethnic divisions and violence in Political struggles", Tehran, *Strategic Studies Quarterly*, 15-27. [In Persian].
- Burton, R., (2005), "*Political ethnography*", translated by Nasser Fakouhi, Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
- Bayat, K., (1994), "Foreign developments and ethnic issues of Iran dialogue", *Irannameh Magazine*, 3: 14-29. [In Persian].
- Strategic Studies Research Institute (1999), "*Ethnicities in Iran and strategies*", Tehran: Strategic Research Institute Publications. [In Persian].
- Tawfiq, E., (2009), "*Opinion reflections on national/Iranian identity: Pathology of identity discourses and social sciences*", [Onlin]: <http://towfigh.blogfa.com/>.
- Jalaipour, H., (2006), "*The rise and fall of the Kurdish people's movement*", Tehran: Loh Ghalam Pub. [In Persian].
- Jalaipour, H., (1993), "*The people of Kurdistan and the causes of the continuation of its crisis after the Islamic revolution*", Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
- Hafeznia, M., (2002), "*Political geography of Iran*", Tehran: Samat Pub. [In Persian].
- Hafeznia, M., (2002), "*Political geography of Iran*", Tehran: Samt Pub. [In Persian].
- Hosseinzadeh, F., (2001), "Ethnic groups of Iran", *Quarterly Journal of National Studies*, 2. [In Persian].
- Haghpanah, J., (2), "Civil Society and ethnic Groups in Iran", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 2. [In Persian].
- Hamzhepour, A., (2006), "Recognition of the contexts and strategies for controlling movements and ethnic unrest in Iran", *Quarterly Journal of Political Studies*, 18-20. [In Persian].
- Office of Strategic Studies and Research (2000), "*Ethnic policies*", Tehran: Strategic studies publications. [In Persian].
- Office of Strategic Studies and Research (2000), "*Ethnocentrism and global challenges*", Tehran: Strategic Studies Publications. [In Persian].
- Salehi Amiri, S., (2006), "*Management of ethnic conflicts in Iran*", Tehran: Expediency Discernment Council, Center for Strategic Research. [In Persian].

- Al-Taie, A., (2003), "*The crisis of ethnic identity in Iran*", Tehran: Shadegan Publishing. [In Persian].
- Alinaghi, A., (2002), "*Non-equilibrium in border schools*", Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
- Fakuhi, N., (2001), "*Political ethnography*", Tehran: Ney Pub. [In Persian].
- Mandel, R., (2001), "*Variable face of national security*", Tehran: Strategic Research Institute Pu. [In Persian].
- Qaderzadeh, O., (2009), "The dominant collective identity of the Kurdish people in Iran and Iraq", PhD thesis, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. [In Persian].
- Castells, E., (2001), "*The age of information: Identity power*", Translated by Hassan Chavoshian, Tehran: New Design. [In Persian].
- Mohammadzadeh, H., (2011), "Types of ethnocentrism among the Iranian Kurdish people", PhD Thesis, Faculty of social science Allameh Tabatabaei University. [In Persian].
- Moradi, M., (2007), "The impact of development on ethnic issues in Iran", *Journal of Applied Science*, 14-18. [In Persian].
- Maghsoudi, M., (2001), "*Ethnic developments in Iran*", Tehran: Institute of National Studies. [In Persian].
- Nejari Rad, T., (2003), "*Influent crisis in Iran*", Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian].
- Hedayati, S., (1995), "A Study of indigenous and non-indigenous managers in the province of Kurdistan province", Expert thesis, Master of Public Administration, University of Tehran. [In Persian].
- Anderson, B., (2006), "*Imagined communities: Reflection on the origin and spread of nationalism*", London: Verso.
- Brass, P., (1979), "*Elite groups, symbol manipulation and ethnic identity among the muslims of South Asia*", Taylor, D., M. Yapp, M., (eds), Political Identity in South Asia, London: Curzon Press.
- Entssar, N., (1992), "*Kurdish ethnonationalism, boulder*", London: Lyneer Pub.
- Gellner, E., (1993), "*Nation and nationalism*", Oxford: Blackwell.
- Hobsbawm, E. J., Ranger, T., (1983), "*The invention of tradition*", Cambridge: Cambridge University Press.
- Vali, A., (2005), "*The Kurds and their others: Fragmented identity and fragmented politics*", London: SAQE pub.
- Van der Veer, P., (1994), "*Religious nationalism; Hindus and muslimsin india berkeley*", California: University of California Press.